

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

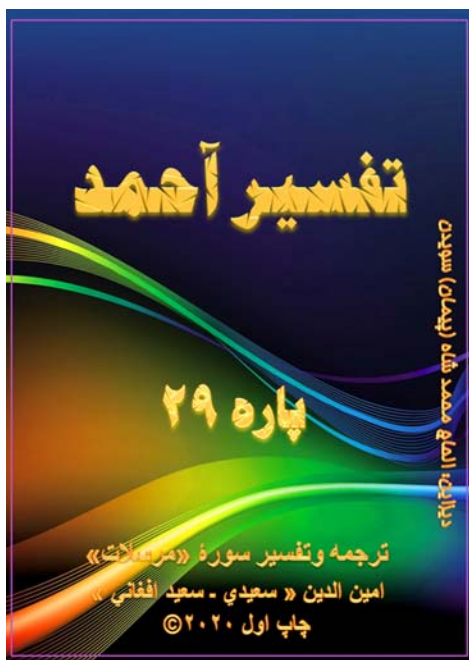
مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین "سعیدی-سعیدافغانی"

۰۴ جون ۲۰۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم

سورة مرسلات- ۲



فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا (۲)

قسم به بادهای نیز وزنده. (۲)

«الْعَاصِفَاتِ»: جمع عاصِفَة، درهم پیچنده و نابود کننده (ملاحظه شود: تفسیر کبیر). «العاصفات» جمع «عاصف» به معنای باد شکننده و سخت است، به طور مثال (ریح عاصف؛ یعنی باد سخت. یوم عاصف؛ روز باد تند یا هم روز طوفانی) ملاحظه فرمائید: (آیت ۲۲ سوره یونس) که در آن مفهوم و معنای تند باد چنین ذکر یافته است: «... جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَ جَاءَهُمُ الْمَوْجُ...» (... ناگهان تندبادی آید و موج از هر سو سراغشان آید..)

اگر کلمه «عاصفات» را در آیت متذکره فرشتگان بدانیم، معنای آیت چنین است که فرشتگان، فرمان الهی را با شدت و سرعت انجام می‌دهند. طوری که می‌فرماید: «يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (آیت ۶ سوره مرسلات) (و آنچه به آنها حکم شود انجام دهند) و یا طوری که می‌

فرماید: «هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ» (آیت ۲۷ سوره انبیاء) «لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ»: چیزی نخواهند گفت تا خدا نگوید و فرمان ندهد. به فرمان او عمل می‌نمایند و مخالفت نمی‌کنند و از الهی سرپیچی نمی‌کنند. برخی از مفسرین بدین نظر اند که الله تعالی در جنب یاد کردن قسم به بادهای و فرشتگان، شاید به خاطر شباهت میان باد و فرشته باشد، از این نظر که هر دو لطیف و سریع‌اند و در آفرینش و تدبیر امور نقش دارند.

همچنان برخی از مفسرین در تفاسیر خویش می‌نویسند که: «عاصفات» فرشتگانی‌اند که بر بادهای گماشته می‌شوند و آنها را تند می‌رانند. بعقول دیگر: آنها فرشتگانی هستند که ارواح کافران را به تندی می‌رانند. والله اعلم.

نحوه خلقت ملائکه:

الله تعالی ملائکه را از نور خلق نموده اند. در حدیثی که؛ از عائشه (رض) روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «خُلِقَتِ الْمَلَائِكَةُ مِنْ نُورٍ وَخُلِقَ الْجَانُّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ وَخُلِقَ آدَمُ مِمَّا وُصِفَ لَكُمْ» (خداوند ملائکه را از نور، اجنه را از آتش و آدم را از آنچه برایتان وصف نموده خلق کرد). (صحیح مسلم برقم ۲۹۹۶).

صفات و ویژگی‌های ملائکه:

- ۱- طوری که در فوق یاد آور شدیم: ملائکه از نور آفریده شده‌اند.
- ۲- ملائکه بال دارند و تعداد بالهای آنها متفاوت است. «الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». (سوره فاطر: ۱) (ستایش خداوندی را سزا است که آفریننده آسمانها و زمین است و فرشتگان را با بالهای دوتا دوتا، و سه تا سه تا، و چهارتا چهارتایی که دارند، مأمور (قدرتمند اجرای فرمان خود در زمینه‌های مختلف تکوینی و تشریحی) کرد. او هر چه بخواهد بر آفرینش (فرشتگان و مردمان و سایر موجودات جهان) می‌افزاید. چرا که خداوند متعال بر هر چیزی توانا است.
- ۳- الله تعالی به آنها این قدرت را داده که به صورت انسان درآیند. (جبرئیل که به نزد حضرت مریم آمد و ملائکه ای که نزد حضرت ابراهیم و حضرت لوط آمدند به شکل انسان آمده بودند).
- ۴- ملائکه موجوداتی هستند که جز عالم غیب‌اند و از این رو ما نمی‌توانیم آنها را ببینیم.
- ۵- آنها دائم مشغول عبادت الله تعالی هستند.

۶- آنها هیچ یک از صفات ربوبیت و الوهیت را دارا نیستند. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ». (سورل تحریم/ ۶) (ای مؤمنان! خود و خانواده خویش را از آتش دوزخی بر کنار دارید که افزون‌تر از انسانها و سنگها است. فرشتگانی بر آن گماشته شده اند که خشن و سختگیر، و زورمند و توانا هستند. از خدا در آنچه بدیشان دستور داده است نافرمانی نمی‌کنند و همان چیزی را انجام می‌دهند که بدان مأمور شده اند).

وَالنَّاسِرَاتِ نَشْرًا (۳)

و قسم به بادهای که ابرها را منتشر می‌کنند (برای باریدن باران). (۳)
«النَّاسِرَاتِ»: پخش‌کنندگان. «نَشْرًا»: پخش کردن.

تعدادی از مفسران در تفسیر خویش درباره کلمه «ناسرات» نوشته اند که هدف از آن فرشتگانی‌اند که بر ابرها موظف اند و آنها را تیت و پراکنده می‌سازند و یا مراد فرشتگانی‌اند که در هنگام فرودآوردن وحی، بالهای خود را در فضاء می‌گشایند و می‌افشانند.

فَالْفَارِقَاتِ فَرَقًا (۴)

پس قسم به آن فرشتگان که جدا کننده [حق از باطل] اند (۴)
هدف این آیت مبارکه فرشتگانی هستند که با پیامهای الهی که فرود می‌آورند، حق و باطل و حلال و حرام را از هم جدا می‌کنند.

فَالْمُنْفِيَاتِ نَفْرًا (۵)

و قسم به فرشتگانی که وحی الهی را (به پیامبران) القا می‌کنند. (۵)
شیخ سعید حوی مؤلف تفسیر «الأساس في التفسير» که به زبان عربی تحریر گردیده در مورد اقسام پنجگانه قسم‌ها که در آیات فوق تذکر یافت: فقط قسم دوم یعنی (فالعاصفات) به بادهای تعلق دارد و قسم‌های دیگر مربوط به فرشتگان

است. و به عبارت دیگر: سه قسم اولی اول به بادها و قسم چهارم و پنجم به فرشتگان تعلق دارد. طوری که در فوق هم یاد آور شدیم؛ که وجه مناسبت میان بادها و فرشتگان، لطافت و سرعت حرکت آنهاست.

عُذْرًا أَوْ نَذْرًا (۶)

برای رفع عذر یا بیم دادن (از عذاب الله). (۶)

یعنی: فرشتگان وحی را به عنوان عذر آشکار نمودند و اتمام حجت خدای بر خلقش، یا به عنوان هشدار عذابش، بر انبیاء علیه صلاة والسلام فرود می آورند. یا فرشتگان وحی را به عنوان عذر و حجتی برای حق پرستان و هشدار برای باطل پرستان، فرود می آورند.

«نُذْرًا»: برای بیم دادن مردم از عذاب و عقاب الهی. «عُذْرًا أَوْ نَذْرًا»: مفعول له هستند.

إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعَ (۷)

آنچه که به شما وعده داده شده است، واقع شدنی است. (۷)

«مَا تُوعَدُونَ»: آنچه به آن وعده داده می شود و آنچه از آن بیم داده می شوید. که هدف از آن قیامت و روز آخرت است.

فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ (۸)

پس وقتی که ستارگان بی نور و محو شوند. (۸)

«طُمِسَتْ» به معنای از بین رفتن و محو شدن است و شاید هدف از آن از بین رفتن نور باشد یعنی زمانی که ستارگان «تیره و محو شود، و یا طوری که گفتیم بی نور گردد».

وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ (۹)

و آن زمانی که آسمان بشکافت. (۹)

«فُرِجَتْ» «شکافته شود».

«فرج» به معنای شکاف است و «وَ إِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ» به معنای شکاف برداشتن و پاره پاره شدن آسمان است.

از فحوای آیت مبارکه معلوم می شود که نظام کنونی آفرینش در قیامت دگرگون می شود؛ ستارگان محو و آسمان شکافته می شود و از این دگرگونی در چندین آیات قرآن عظیم الشان یاد آوری به عمل آمده است طوری که می فرماید: «فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ وَ إِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ».

وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ (۱۰)

و آن زمان که کوه ها از بیخ و بن کنده شوند. (۱۰)

«نُسِفَتْ» «از جاکنده شود، پراکنده گردد».

وَإِذَا الرُّسُلُ أَقْتَتْ (۱۱)

و وقتی که برای (جمع شدن) پیغمبران (جهت گواهی بر امتها) وقت تعیین شود. (۱۱)

«الرُّسُلُ»: پیغمبران.

«أَقْتَتْ» (وقت) به معنای تعیین وقت برای ادای شهادت بر ملت خود جمع می گردند. (ملاحظه شود سوره های: مائده / زمر). اصل این کلمه (وقت) است و از مصدر (توقیت) آمده است.

انبیاء در روز قیامت جمع می شوند طوری که قرآن عظیم الشان بدان اشاره نموده است. (آیت ۱۰۹، سوره مائده): «يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ» (روزی که الله تعالی همه انبیا را جمع گرداند، پس گوید: چگونه امت تان دعوت شما را اجابت کردند».

قابل تذکر است که یکی از نام های روز قیامت «یوم الفصل» یعنی روز جدائی است. در قرآن عظیم الشان آیت (۱۷) سوره حج (الله متعال می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»). خداوند متعال در روز قیامت بین آنها (و آنچه بدان دل بسته‌اند) جدائی می‌افکند.

در این آیات با سه تعبیر از عظمت قیامت یاد شده است: «لَأَيَّ يَوْمٍ أُجِّلْتُ لِيَوْمِ الْفَصْلِ وَ مَا ادْرَاكُ مَا يَوْمِ الْفَصْلِ» و تکرار کلمه «یوم» نشانه عظمت آن روز است.

بناءً مطابق حکم قرآن: نظام کنونی آفرینش در قیامت دیگرگون می‌شود؛ ستارگان محو و آسمان شکافته می‌شود و این دیگرگونی بارها در قرآن یادآوری شده است: «فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ وَ إِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ» (آیات ۸ و ۹ سوره مرسلات). از جانب دیگر قابل یاد آوری است که حقیقت قیامت تنها از راه وحی قابل شناخت و ادراک است. «وَ مَا ادْرَاكُ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ» (آیت ۱۴ سوره مرسلات). و در روز قیامت برای شهادت پیامبران بر امت‌های خویش، وقتی معین قرار داده شده است. «وَ إِذَا الرُّسُلُ أَقْنَتُ، لِأَيَّ يَوْمٍ أُجِّلْتُ» سوره مرسلات آیات ۱۱ و ۱۲)

در آیات مختلفی از قرآن عظیم الشان به وضاحت تام از دیگر گونی آسمان در لحظات برپائی قیامت و پایان یافتن دنیا، با تعبیرهای گوناگون یاد آوری به عمل آمده است که از جمله توجه خوانندگان رابه آیات ذیل جلب می‌دارم: «انْشِقَاقُ»: پاره پاره شدن «إِذَا السَّمَاءُ انْشَقَّتْ» (سوره انشقاق ۱) (زمانی که آسمان پاره پاره می‌شود). «انْفِطَارُ»: شکافته شدن «إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ» (سوره انفطار ۱) (آنگاه که آسمان از هم بشکافد). «انْفِطَاحُ»: گشوده شدن «وَ فَتَحَتْ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا» (سورل نبا ۱۹) (و آسمان گشوده می‌گردد، پس درهای متعددی از آن باز می‌شود).

«انْفِرَاجُ»: باز شدن «وَ إِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ» (مرسلات ۹) (و آن زمان که آسمان از هم باز شود). «انْطَوَاءُ»: درهم پیچیده شدن «يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السَّجْلِ لِلْكَتَّابِ» (انبیاء ۱۰۴) (روزی که آسمان ها را چون طومار درهم می‌پیچیم).

«مَوْرُ»: به حرکت درآمدن «يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا» (طور ۹) (روزی که آسمان شدیداً به حرکت درآید). «مَهْلُ»: فلز مذاب «يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ» (معارج ۸) (روزی که آسمان چون فلز مذاب شود). «دُخَانُ»: دود «فَارْتَقَبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ» (دخان ۱۰) (پس منتظر روزی باش که آسمان دودی آشکار بیاورد).

«دِهَانُ»: روغن مذاب یا چرم سرخ «فَإِذَا انشَقَّتْ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ» (الرحمن ۳۷) (آنگاه که آسمان پاره پاره شده و همچون روغن مذاب یا چرم سرخ، گلگون گردد) «كَشِطٌ»: زایل شدن «وَ إِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ» (تکویر ۱۱) (و آن زمان که آسمان برچیده شود).

لَأَيَّ يَوْمٍ أُجِّلْتُ (۱۲)

برای چه روزی تعیین وقت شده است (۱۲) «أُجِّلْتُ»: به تأخیر افکنده شده است، تأخیر انداختن مدت و مساعد ساختن فرصت زمانی را می‌توانید در (سوره های انعام و آل عمران) مطالعه فرمائید.

يَوْمِ الْفَصْلِ (۱۳)

برای روز فیصله که (بین حق و باطل و سعید و شقی) جدائی افتد. (۱۳)

وَ مَا ادْرَاكُ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ (۱۴)

و تو چه می‌دانی که روز فیصله چیست؟ (۱۴)

«يَوْمَ الْفُصْلِ» (به معنای: روز جدائی). از جمله یکی از نام های روز قیامت در قرآن عظیم الشأن آمده است. مفسرین نامگذاری روز قیامت به یوم الفصل را به این دلیل دانسته‌اند که در روز قیامت، بین حق و باطل جدائی می‌افتد. اصطلاح یوم الفصل برای روز قیامت در بسیاری از موارد برای سرزنش و تهدید مشرکین یا تکذیب کنندگان آمده است. از جمله در (آیت ۲۱ سوره صافات) می‌خوانیم: «هَذَا يَوْمُ الْفُصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكذَّبُونَ». (امروز روز فصل و جدائی و همان روزی است که آن را تکذیب می‌کردید)

همچنین در (آیت ۴۰ سوره دخان) می‌خوانیم: «يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئاً وَ لَا هُمْ يُنصَرُونَ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ». [روز جدائی] روزی است که هیچ دوستی کمترین کمکی به دوستش نمی‌کند و از هیچ سو یاری نمی‌شوند، مگر کسی که الله او را مورد رحمت قرار داده و او عزیز و رحیم است.

در سورهٔ مرسلات سه بار این وصف برای روز قیامت ذکر شده است. که از جمله در آیات ۱۳ و ۱۴ در بیان عظمت این روز اینگونه آمده: «برای چه روزی، وقت معین می‌شود؟ برای روز فصل. و تو چگونه می‌توانی عظمت آن روز جدائی را تصور کنی؟» همچنان آیت ۳۸ سورهٔ مرسلات نیز برای سرزنش و تهدید مکذبین می‌گوید: «وای در آن روز به حال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند. این روز فصل است که شما را با همه در گذشتگان پیشین به عرصهٔ محشر جمع گردانیم.» همچنان در آیت ۱۷، سورهٔ نباء نیز یوم الفصل را روز میقات و میعاد و جمع کردن همگان معرفی می‌کند طوری که می‌فرماید: «إِنَّ يَوْمَ الْفُصْلِ كَانَ مِيقَاتًا: ترجمه: همانا روز فصل روز میقات و وعده‌گاه همگان است.»

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۱۵)

در چنین روز وای بر تکذیب‌کنندگان. (۱۵)

کلمه «ویل» ۳۹ بار در قرآن عظیم الشأن آمده است که: بیشترین موارد آن در سورهٔ مبارکهٔ مرسلات است که تعداد آن به ۱۰ مورد می‌رسد. ۳ مرتبه نیز در آیت ۷۹، سورهٔ مبارکهٔ بقره و دو بار در سورهٔ مطففین آیات ۱ و ۱۰ تکرار شده است. موارد دیگر آن نیز در ۱۲ سورهٔ همچون سوره‌های (ابراهیم آیت ۲، مریم آیت ۳۷، انبیاء آیت ۱۸، ص آیت ۲۷، زمر آیت ۲۲، فصلت آیت ۶، زخرف آیت ۶۵، جاثیه آیت ۷، ذاریات آیت ۶۰، طور آیت ۱۱، همزه آیت ۱، ماعون آیت ۴ آمده است.) در برخی آیات نیز این با ضمیرهای مختلف و به شکل ترکیبی همراه شده است. به شکل «ویلتنا» ۵ مورد (انبیاء/ ۴ و ۴۶ و ۹۷، یس/ ۵۶، صافات/ ۲۰، قلم/ ۳۱) به صورت «ویلتی» ۳ مورد (مانده/ ۳۱، هود/ ۷۲، فرقان/ ۲۸) با حالت «ویلکم» ۲ مورد (طه/ ۶۱، قصص/ ۸۰) و به صورت «ویلتنا» (کهف/ ۴۹) و همچنین «ویلک» (احقاف/ ۱۷) هر کدام ۱ مورد در قرآن عظیم الشأن آمده است.

کلمه «ویل» اکثراً دربارهٔ تحریف کنندگان دین، ریاکاران و غافلان نماز، بدگویان عیبجو، تکذیب کنندگان قیامت، دین و کتاب‌های آسمانی، کافران از حیث حضور در روز قیامت و عذاب، مشرکان، ظلم کنندگان، دروغگویان گناه‌پیشه، و منحرفان به کار رفته است.

برخی از مفسرین می‌فرمایند که: ویل به معنی قبیح است و گاهی در تحسّر و تأسف به کار می‌رود. در هر حال این کلمه حکایت از بد بختی و عذاب دارد خواه شخص گرفتار خودش بگوید مثل «وِیَا وَیْلَتْنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُعَادِرُ صَغِيرَةً وَ لَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا» (کهف/ ۴۹) و خواه از دیگری به دیگری باشد مثل «وِیْلُكَ أَمِنْ» (احقاف/ ۱۷)؛ وای بر تو ایمان بیاور یا «وِیْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ» (مرسلات/ ۱۵)؛ وای در آن روز بر تکذیب کنندگان.

ادامه دارد